

بازرگان؛ شفافیت شیشه و سختی سنگ

## صدای مخالف در روزهای جنگ

مهرداد خدیبر  
معاون سردبیر

هر چند شاید چنین به نظر رسد که در بیست و نهمین سالگرد درگذشت مهندس مهدی بازگان، نکته ناگفته و نانوشت‌های باقی مانده اما هنوز می‌توان دربارهٔ او گفت و نوشت خاصه هر بار که باور به اقدامات گام به گام و تدریجی جدی‌تر شده است. نزد دوست‌داران و موافقان او نماد اسلام اعتدال‌گرا، اصلاح‌جو و بهبودخواه بود که سکه سیاست را دارای دورومی دانست؛ هم ستیز و هم سازش. هر چند از رهبر فقید انقلاب نقل می‌کنند در واکنش به سازش کار خواندن او به کسی - احتمالاً به کنایه و طعنه - گفته بود: «اگر سازش کار بود با من سازش می‌کرد!»

در نگاه مخالفان هم هرگز انقلابی نبود و مسیر حرکت را کند می‌کرد و باید جای خود را به نیروهای انقلابی می‌داد که داد هر چند روشن نمی‌کردند چگونه انقلابی نبود در حالی که طعم زندان‌های رژیم شاه و ممنوعیت از تدریس در دانشگاه را چشیده و عضو شورای انقلاب و رئیس دولت موقت انقلاب شد؟ مخالفان مشخصاً از دیدار او (به اتفاق مصطفی چمران و ابراهیم یزدی و محمدمحمد شیبستی) با مشاور امنیت ملی جیمی کارتر در الجزایر انتقاد می‌کردند. (ملاقات با زینگیور به ژنیسکی - یا همان برزیسکی - که مهم‌ترین بهانه اعتراض و اشغال سفارت آمریکا بعد از پناه دادن به شاه شد). این نکته را که «پیکان است نه بولدوزر» البته خود هم انکار نمی‌کرد. با این حال نامه امام خمینی در پذیرش استعفا بازگان در آبان ۱۳۵۸ که حاوی تأکید بر تدین و تعهد اوست، همچنین تعبیری که آیت‌الله خنامنه‌ای در تلگراف تسلیت به دکتر بدالله سبحانی دربارهٔ نخست‌وزیر دولت موقت به کار بردند (دولتی که معاون وزیر دفاع آن هم بودند) مجال متهم کردن مهندس بازگان به بی‌دینی و خیانت و اتهامات دیگر را - که مثل نقل و نبات برای دیگران به کار می‌برند - از رادیکال‌هاستانده و امکان نوشتن دربارهٔ او فراهم ساخته و ولو گاهی اجازه برگزاری مراسم یادبود می‌دهند و گاهی نه و به گرایش سیاسی دولت یا فضای سیاسی بستگی دارد (و امسال البته مراسم لغو شد).

منتقدان اما گاه او را می‌ستایند و گاه سرزنش می‌کنند. مهم‌ترین انتقاد دکتر کریم سنجابی، دبیرکل جبهه ملی ایران به او این بود که چرا پیش‌نویس قانون اساسی را به هم‌پرسی نگذاشت در حالی که آیت‌الله خمینی و مراجع ثلاث قم آن را امضا کرده بودند و در تشکیل مجلس مؤسسان اصرار ورزید که در عمل به خیرگان انجامد و پیش‌نویس دست‌خوش تغییرات عمده و اصل «اولیت فقیه» به آن افزوده شد.

کسانی که با این وجه مشکل ندارند یا ابراز نمی‌کنند اما دو نقد دیگر بر بازگان ۵۸ وارد می‌سازند. یکی این است که چرا استغفا داد و صحنه را ترک کرد و چرا نامزد ریاست جمهوری نشد زیرا در این دومی بعید بود در صورت انتخاب به سرنویشت‌بنی صدر دچار شود.

در مورد اول گفته می‌شود او قبل‌تر هم دو بار کرده بود و این نوبت پذیرفته شده نه این که صرفاً واکنش به اشغال سفارت در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ بوده باشد و در فقره دوم ظاهراً خود مهندس بازگان تمایل داشته ولی مهندس سبحانی معتقد بوده فضا بعد از اشغال سفارت تغییر کرده و حسن ابراهیم حبیبی را پیشنهاد می‌کند. او اما در هر دو فقره خطا کرد. چون انتخابات مجلس شورای ملی (که هنوز نام آن به شورای اسلامی تغییر نکرده بود) نشان داد بازگان همچنان محبوب است کما این که یکی از سه نفر اول تهران شد و در فقره دوم هم فاصله آرای حسن حبیبی با بنی‌صدر ۱۰ میلیون آرای بود! کمی قبل‌تر هم مهندس سبحانی به‌رغم کناره‌گیری از عضویت در شورای مرکزی نهضت آزادی ایران (همراه با محمدعلی جابجی) بر روی سرب‌رگ نهضت اعلامیه حمایت از اشغال سفارت را نوشته و منتشر کرده بود یعنی حزبی که دولت و قدرت اجرایی را به خاطر آن اتفاق از دست داده و معاون نخست‌وزیر و سخن‌گوی آن متهم شده بودند نمی‌خواست از قافلهٔ حمایت عمومی «از تسخیر لانهٔ جاسوسی» بازماند.

آنان که می‌خواهند طعنه خود را پیرنگ‌تر و بازگان را به ساده‌انگاری سیاسی متهم کنند به نامه‌ای اشاره می‌کنند که در پی گروگان‌گیری به شخص شاه نوشته و از او خواسته بود بازگردد تا غائله ختم به خیر شود.

تا سال‌ها کسی از چنین نامه‌ای خبر نداشت یا آنان که شنیده بودند، باور نمی‌کردند ولی در اسناد رسمی نهضت منتشر شده و هنوز هم جای شگفتی دارد که چگونه می‌توان از شاهی که پیش از پیروزی انقلاب در سال قبل کشور را ترک کرده تا جان خود را نجات دهد و بعد از آن خبر اعلام زوال‌ها و زریس سلاواک و نخست‌وزیر و رئیس مجلس و دیگر مسئولان خود را شنیده، انتظار داشت بازگردد تا با اجابت خواست دانشجویان گروگان‌ها آزاد شوند. با این همه بهترین توصیفی که می‌توان برای یک عمر فعالیت فکری و سیاسی و اجتماعی او به کار برد شاید «دین‌داری پاکیزه» باشد. چرا که بازگان نمونه‌ای از مسلمانی زلال با پای‌بندی به تمام موازین اخلاقی و علایق و سنن ملی بود و اگر خود را ایرانی، مسلمان و مصدقی معرفی می‌کرد گزاف نمی‌گفت چندان که کسی نمی‌تواند در ایران گزایی و مسلمانی و وفاداری او به روش و منش و آرمان دکتر مصدق کمترین تردیدی روا دارد.

دین‌داری بازگان بی‌غل و غش و حتی بی‌آمیزش با جلوه‌های دیگری چون عرفان و فلسفه بود. چندان که اگرچه اهل مطایبه بود و در گزارش‌های تلویزیونی دوران نخست‌وزیری حکایت‌مناظرالدین هم نقل می‌کرد اما سخن خود را با شعر نمی‌آرست و به همین خاطر خیلی‌ها تعجب کردند چرا دکتر عبدالمکریم سهروش به‌عنوان سخنران مراسم گرامی‌داشت او در حسینیه ارشاد در بهمن ۱۳۷۳ انتخاب شده است. در حالی که به‌نازبان به فلسفه علاقه داشت و نه سرش، عضو نهضت آزادی ایران یا وزیر دولت او بود. سروش اما به این ابهام و پرسش پاسخ داد و بعد از آنکه در این باره گفت که «به نام بازگان بود نه به صفت» و سنجابی اخلاقی و تهور سیاسی او راست بود، به این نکته اشاره کرد که در اواخر عمر به این نتیجه رسیده بود که دین نه‌تنه‌ها برای دنیای مسلمانان که برای یادآوری و خودجانی دیگر است و همین که بدانیم آخرتی هست با قرآن مانوس باشیم، کفایت می‌کند و توقع استخراج انواع راهکارهای اقتصادی

و سیاسی و علمی از درون قرآن و از سخنان پیامبر خطاست.

این در حالی است که مهندس بازگان یک عمر برای اثبات هم‌نشینی علم و دین کوشیده بود و باور داشت این دو تعارضی ندارند و البته این اصرار برای صف‌آرایی مقابل نیروهای کمونیست بود چندان که مراد از عنوان «اسلامی» در انجمن‌های اسلامی مهندسین و پزشکان نیز همین بود و آن وصف «اسلامی» در مقابل کمونیست‌ها معنی می‌یافت و در آن زمان مفهوم بنیادگرایی از آن بر نمی‌خاست.

این سخن سروش که بازگان در سال‌های پایانی به همان نکته‌ای رسید که من پیش‌تر گفته بودم (مشخصاً در «دین فرہتر از ایدئولوژی») به کام حلقهٔ نزدیک بازگان خوش نشست و بعد‌تر بر مدیریت برنامه خرده گرفتند و کمی بر سر آن اختلاف هم پدید آمد که اگر دخالت و وساطت دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل بعدی نبود چه‌بسا به کدورت و حتی انشعاب می‌انجامید. قریب ۳۰ سال بعد اما حالا خود دکتر سروش از آن نظریه عدول کرده و سلسله‌گفتارهای او با عنوان «دین و قدرت» گواه این مدعاست و در آنها در پی اثبات این گزاره است که پیامبر اسلام به دین به عنوان یک منبع قدرت هم می‌نگریسته و هرگز مانند مسیح از قدرت تنزه طلبی نمی‌کرده البته قدرت به مفهوم نیروی نگاه‌دارنده و مقوم دین و نه به معنی امروزین وزر. ماندگاری نام بازگان اما به خاطر این نیست که در پایان عمر به چه نتیجه‌ای رسید یا تا چه حد انقلابی بود که خود به صراحت گفته بود: «اما طلب باران کردیم اما سیل آمد» یا چرا در سال ۵۸ استعفا کرد که دیدیم ۶ سال بعد داوطلب انتخابات ریاست جمهوری شد و با این که هنوز نظرات استصوابی اختراع نشده بود، به او مجال ندادند.

مهم‌ترین وصف دربارهٔ شخص او را چنان که پیش از این آمد، می‌توان دین‌داری زلال و پاکیزه و بی‌احتم و محدودیت برای دیگران دانست. جنسی از دین‌داری که به خاطر وجهه تالیفی نزد ایرانیان خوش‌تر می‌نشیند کما این که هر گاه کسی توانسته آمیزه‌ای از ایران و اسلام و اخلاق یا چاشنی مدارا و آسان‌گیری را ارائه کند و به بیان دیگر گفتار و رفتار او از حیث شفافیت و زلالیت به بازگان شبیه‌تر و نزدیک‌تر باشد، نزد مردمان مقبول‌تر افتاده است.

خدمت بزرگ و تاریخی او اما از حیث کارنامه سیاسی تلاش خستگی‌ناپذیر برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق بود. او دو سال اول جنگ (از شروع تجوز تا بایس گرفتن بندر خرمشهر) را اجتناب‌ناپذیر می‌دانست ولی معتقد بود در ۵ سال بعد می‌توانست متوقف شود و اصرار بر ادامه آن در سال آخر یعنی بعد از صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۱۳۶۶ را نگویم می‌کرد و در حالی که در آن زمان از اینترنت و رسانه‌های دیجیتال خبری نبود و صداسویما و چند روزنامه صدای او هم و هم‌گنان را به گوش مردم نمی‌رساندند یا تشکیل «جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران» و «صدور اعلامیه‌های متعدد برای تحقق هدف توقف جنگ کوشید و البته تحمل می‌شد. سترگی این تکاپو را هنگامی درمی‌یابیم که در نظر آوریم فضای غالب و رسمی از شعرا «جنگ جنگ تا پیروزی» هم فراتر رفته و به «جنگ جنگ تا رفع فتنه در جهان» رسیده بود و کافی است به یاد آوریم دو روز قبل از قبول قطعنامه ۵۹۸ در نمازجمعه تهران حاج محمود مرتضایی فر علیه صلح شعار می‌داد و در تلویزیون گزارش گزارش گرساغ مردم می‌فت‌ومی پرسید: چرانید صلح کنیم؟! بازگان اما برای ختم جنگ به هر دری زد و اگر چه گفتند چندان اهل شعر نبود اما با قلم و ادبیات بیگانه نبود و به این سخن مولانا عمل می‌کرد:

گفت پیغامبر که گر کوی‌ی در ی

عاقبت زان در برن ایزد سری

پس او هم از کوفتن هیچ‌دی مضایقه نکرد. هم برای آیت‌الله منتظری پیغام می‌فرستاد تا هاشمی‌فسنجانی جانشین فرمانده کل قوا را تحت تأثیر قرار دهد (چندان که در مصاحبه بعد از قبول قطعنامه دو بار گفت «با توجه به نظر آیت‌الله‌العظمی منتظری پذیرفتیم» تا مؤمنان را به لحاظ شرعی قانع کند و مشخصاً زرمندگان اصفهانی را) و هم نزد پسرعمه خود - آیت‌الله مرعشی نجفی - رفت و گفته می‌شود نامه او به امام در این باره که دیگر نمی‌تواند از مقلدین خود بخواهد در خاک عراق بجنگند در قبول قطعنامه نزد امام مؤثر افتاد حتی پیش از اصرارهای هاشمی و گزارش اقتصادی نخست‌وزیر که نسبتی با فهرست مطالبات نظامی محسن رضایی نداشت. اشاره کردم که ایرانی و مسلمان و مصدقی بود. به یاد آوریم در اولین عید نوروز بعد از انقلاب در استادیوم آزادی وقتی جمعیت صلوات فرستادند از آنها خواست وقتی آقای طالقانی آمد صلوات بفرستند چون او روحانی است و گفت: برای من دست بزنید و البته طالقانی نیامد چون به سبب آتش‌کی که در گنبد درگرفته بود، همسپان سامان شده بود. ایرانیت و ایران‌گرایی او در نوع زندگی به‌رغم تحصیل در غرب هویدا بود و مسلمانی هم با تقیدات شرعی و عمل به واجبات و مصدقی بودن هم در باور به دموکراسی و رأی مردم و تعامل و مدارا.

حتی گفته می‌شود یک‌دندگی سیاسی به مفهوم کوتاه‌نایمانی از اصول و نه اصرار بر نظر خود را هم از مصدق آموخته بود چندان که بر این صفت در تبریک تأسیس نهضت تأکید ورزیده بود.

با این همه آن زلالی سبب شده بود صریح باشد. در اسفند ۵۸ وقتی امام در قم درباره قیمت آب و برق توصیه کرد، دقیقاً همین لفظ را به کار برد: «آقا! شما هم که ما را کلافه کرده‌اید» و هیچ‌کس در قم کفن نپوشید و این سخن را جسارت به امام خمینی ندانست و بعد از نخست‌وزیری هم وقتی خبرنگاری از او پرسید آیا برای ملاقات با مقام آمریکایی در الجزایر از امام اجازه گرفته بودید؟ پاسخ داد: «نه ایشان، شاه است و نه من هویدا تا اجازه بگیرم. نخست‌وزیری که بخواهد برای این‌گونه امور اجازه بگیرد به درد لای جز می‌خورد!» اول بار که در نشست او را از نزدیک دیدم از خود پرسیدم این مرد با قامت متوسط و کلامی که چندان نافذ نیست چه ویژگی و کاریزمایی دارد؟ به خاطر سابقه استادی و ریاست دانشکده فنی دانشگاه تهران است یا دوران زندان یا کتاب‌هایی که نوشته یا فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی یا تدین و تقیدات دینی و دوستانه‌ای چون طالقانی و مطهری و سنجابی یا از همه مشهورتر نخست‌وزیری دولت موقت دوره انتقال قدرت؟

همه بود اما کافی نبود و چون بیشتر اندیشیدم، دانستم دلیل خاص‌تری دارد و او هم این که گوهر وجود خود را جلاداده بود تا هم محکم‌تر و سخت‌تر شود و هم شفاف‌تر و روشن‌تر.

بازگان، زلال بود و یک‌دین‌داری پاکیزه را ارائه داد و بر سر آن هم استوار ماند و مشاهده اشتباهات و خطاهایی که در این نوشته‌ها آنها اشاره شد هم به خاطر همین زلالی فراهم آمد و در عین حال یک‌دنده و سخت بود. چندان که شیشه را هم از سنگ می‌سازند.

## تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش  
یک

## بازگشت سفرا

بررسی واکنش‌های ایران و پاکستان

به حملات اخیر و سکوت برخی مقامات کشورمان

## ▼ تماس وزرای خارجه تهران و اسلام‌آباد

روز گذشته، تماس تلفنی میان امیرعبداله‌لیهان و جلیل عباس‌جیلانی نیز انجام شد. امیرعبداله‌لیهان، وزیر امور خارجه کشورمان در این گفت‌وگو با بیان اینکه مناسب است محور همکاری‌های امنیتی و نظامی که در گذشته مورد توافق و تأکید مقامات دو کشور قرار گرفته است، با جدیت دنبال شود، اعلام کرد: «نیروهای امنیتی ایران در قرارگاه‌های عملیاتی خود با هرگونه عملیات تروریستی در همان ابتدا مقابله می‌کند و اجازه تحرک عملیاتی به تروریست‌ها نمی‌دهند.» او با اشاره به عملیات ضدتروریستی اخیر قرارگاه محلی ایران علیه گروهک جیش‌الظلم که مسئولیت بسیاری از عملیات تروریستی از جمله حمله اخیر به پاسگاه انتظامی راسک را بر عهده گرفته، تأکید کرد: «این اقدام عملیاتی در راستای وظایف آتی قرارگاه عملیاتی منطقه سیستان و بلوچستان و در جهت خنثی‌سازی تهدید تروریستی فوری بود که با توجه به شواهد و مستندات بیش از پنجاه تروریست در این مکان در حال آماده‌سازی برای انجام اقدام تروریستی علیه ایران بودند که با اقدام به موقع نیروهای ایرانی ناکام ماندند.» امیرعبداله‌لیهان با تأکید بر احترام جمهوری اسلامی ایران به حاکمیت و تمامیت ارضی کشور دوست، برادر و همسایه پاکستان اظهار داشت: «حاکمیت و تمامیت ارضی پاکستان قویاً مورد توجه ما هست و همکاری‌های دو کشور برای خنثی و نابود کردن اردوگاه‌های تروریستی در خاک پاکستان ضروری است.»

جلیل عباس‌جیلانی، وزیر امور خارجه پاکستان نیز در این گفت‌وگوی تلفنی با وزیر خارجه ایران با اشاره بر آرمان‌های مشترک دو کشور در مبارزه با تروریسم اظهار کرد: «نگرش مشترک در مبارزه با تروریسم هسته اصلی همکاری دو کشور است و پاکستان همواره بر روابط برادرانه و سازنده با ایران تأکید داشته و حق حاکمیت و تمامیت ارضی همواره مورد توجه جدی اسلام‌آباد است.» او همچنین با تأکید بر علاقه و احترام ویژه ملت و دولت پاکستان به جمهوری اسلامی ایران، بر توسعه مناسبات برادرانه در تمامی ابعاد میان دو کشور تأکید کرد و افزود: «ما دو همسایه دیرینه و مسلمان هستیم، تروریسم دشمن مشترک ما است و نباید به تروریست‌ها و دشمنان روابط تهران و اسلام‌آباد، اجازه سوءاستفاده داد. همکاری و برادری محور اصلی کار ما است.»

همچنین موسوی روز گذشته و پس از این تماس تلفنی، با انتشار پست دیگری در شبکه اجتماعی ایکس، نوشت: «ساعتی قبل وزرای خارجه ایران و پاکستان مکالمه تلفنی بسیار خوبی در جهت بازگشت روابط به سطح عالی داشتند. امیدوارم با کمک همکاری رحیم حیات‌قریشی (سفیر سابق پاکستان در ایران که هم‌اکنون معاون امور منطقه‌ای وزارت خارجه این کشور را بر عهده دارد) بتوانیم با بازگرداندن سفرا به پایتخت‌ها و سفرهای متقابل وزرای خارجه رکورد جدیدی در تنش‌زدایی برای دو کشور برادر و دوست در رکورد‌های جهانی گینس ثبت کنیم.»

## ▼ بیانیه‌های پاکستان پس از حمله به خاک ایران

بخش اطلاع‌رسانی نیروهای مسلح این کشور نیز در بیانیه‌ای، عملیات انجام‌شده را بر علیه مخفیگاه‌های تروریست‌هایی که مسئول انجام چند عملیات در این کشور بوده، اعلام کرد. در بیانیه مذکور، دو گروه با نام‌های «ارتش آزادی‌بخش بلوچستان» و «جبهه آزادی‌بخش بلوچستان» به‌عنوان اهداف این حمله معرفی شده‌اند. براساس این گزارش، پاکستانی‌ها برای حمله به خاک ایران از پهپادهای انتحاری و راکت استفاده کرده‌اند.

وزارت خارجه پاکستان، ساعاتی پس از حمله به نقاطی در حاشیه شهر سراوان بیانیه‌ای رسمی صادر کرد. براساس این بیانیه، عنوان عملیات مذکور «مرگ بر سرماچار» و «هدف آن مخفیگاه‌های این گروه بوده و در طی آن چند نفر از تروریست‌ها کشته شده‌اند. در بخش دیگری از بیانیه وزارت خارجه پاکستان، آمده است: «پاکستان طی چند سال گذشته در تعاملات با ایران،



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

بامداد پنج‌شنبه، پس از سال‌ها حمله‌ای نظامی به نقاطی در خاک کشورمان اتفاق افتاد. پاکستان در پاسخ به حمله موشکی به منطقه کوه سبز که محل اجتماع تروریست‌های «جیش‌العدل» بود، چند نقطه در اطراف شهرستان سراوان را هدف قرار داد. اما دو طرف پس از این کنش و واکنش، به سرعت مسیر کاهش تنش را در پیش گرفتند. با اینکه در ابتدا اسلام‌آباد سفیر خود را فراخواند و اجازه بازگشت سفیر ایران به آن کشور را نیز نداد، اما روز گذشته تماسی میان وزرای خارجه ایران و پاکستان برقرار شد و وزیر خارجه پاکستان از حسین امیرعبداله‌لیهان، وزیر خارجه ایران برای دیدار رسمی از اسلام‌آباد دعوت کرد. البته مدیرکل جنوب آسیای این وزارت‌خانه نیز از تسریع روند بازگشت سفرا به محل‌های ماموریت‌شان خبر داد. همچنین شبکه تلویزیونی الجزیره به نقل از مقامات پاکستانی، پایان بحران با ایران و بازگشت کامل روابط دیپلماتیک را اعلام کرد.

## ▼ بیانیه ایران

وزارت خارجه ایران، تنها نهاد رسمی کشور بوده که در خصوص این حمله اظهارنظر کرده است. در بیانیه این وزارت‌خانه آمده است: «وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران اقدام غیرمتوازن و غیرقابل‌پذیرش پاکستان در حمله‌ی پهلپادی به شهروندان غیرایرانی روستایی در جدار مرزی دو کشور را محکوم می‌نماید. ج.ا. ایران در عین حال که به سیاست حسن‌همجواری و برادری بین دو ملت و دو دولت ج.ا. ایران و پاکستان پایبند است و اجازه نمی‌دهد، دشمنان روابط خوب و برادرانه دو کشور را تیره‌کنند؛ امنیت مردم و تمامیت ارضی کشور را خط قرمز خود بر می‌شمارد و از دولت دوست و برادر پاکستان قویاً انتظار دارد که به تعهدات خود در ممانعت از استقرار پایگاه‌ها و گروه‌های مسلح تروریستی در خاک پاکستان پایبند باشد.» در این بیانیه همچنین آمده است: «در حادثه سه‌شنبه ۱۴۰۲/۱۰/۲۶ قرارگاه مرزی نیروی زمینی سپاه مسقر در استان سیستان و بلوچستان با مشاهده آمادگی یک گروه تروریستی برای عزیمت به سمت خاک ج.ا. ایران جهت انجام عملیات تروریستی دیگری مانند اقدام جنایتکارانه راسک اقدام به عملیات پیشگیرانه علیه این گروه تروریستی در پادگان و مقر استقرار آن در ارتفاعات منطقه و کیلومترها دورتر از مناطق مسکونی نمود، که این رویه بخشی از وظایف ذاتی نیروهای مرزی ج.ا. ایران برای مقابله متناسب با هرگونه تهدید تروریستی قریب‌الوقوع علیه مردم و شهروندان کشور است.»

رسول موسوی، مدیرکل جنوب آسیای وزارت امور خارجه که پاکستان در حوزه ماموریتی او تعریف می‌شود، با انتشار پستی در صفحه ایکس (تویتر سابق) خود، این بیانیه را نقطه پایانی بر امواج تنش ایجادشده بین ایران و پاکستان دانست. موسوی در بخش دیگری از این پست نوشت: «رهبران و مقامات عالی‌هر دو کشور می‌دانند که از تنش موجود بین دو کشور همسایه فقط تروریست‌ها و دشمنان هر دو کشور بهره می‌برند.» پیش از این و به دنبال حمله پاکستان، کاردار این کشور توسط موسوی به وزارت خارجه احضار شده و مراتب اعتراض ایران به او اعلام شده بود. موسوی پس از این احضار، اقدام نظامی پاکستان علیه مناطق مسکونی مرزی که براساس گزارش‌های رسانه‌ای منجر به کشته شدن ۶ کودک، دو زن و یک مرد غیرایرانی (تبعه پاکستان) شده را محکوم کرده است.